

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال چهارم - شماره اول - بهار ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۱

## بررسی روش کار فرهنگهای دو و سه زبانه فارسی - ترکی - عربی

(ص ۴۲۰ - ۴۰۳)

علی صباغی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۳/۳

تاریخ پذیرش قطعی: ۸۹/۱۲/۴

### چکیده:

زبان، عامل پیوند میان افراد جامعه و نهادی اجتماعی و پویاست که همانند دیگر نهادها پیوسته در حال دگرگونی بوده، با گذشت زمان و تغییر ساختار جامعه، دچار تحول میشود. فرهنگ نویسی کوششی در راستای ثبت این دگرگونیها، بمنظور سهولت فهم زبان گذشتگان و جلوگیری از گسست فرهنگی است. فاصله مکانی، بعد زمانی و نفوذ نیروهای بیگانه در حوزه یک زبان، از جمله عوامل زمینه ساز فرهنگ نویسی است. تحت تأثیر سه عامل حمله اعراب و گسترش دین اسلام؛ هجوم ترکان و ورود عناصر زبان ترکی در فارسی؛ و گسترش حوزه کاربرد زبان فارسی در خارج از قلمرو نخستینش، فرهنگ نویسی دو و سه زبانه فارسی - عربی - ترکی رونق گرفت. در این گفتار بمعرفی و بررسی این جریان فرهنگ نویسی بویژه حوزه فارسی - ترکی که کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است، پرداخته خواهد شد.

### کلمات کلیدی:

فرهنگ نویسی در زبان ترکی، فرهنگ نویسی (دو و سه زبانه)، لغتنامه منظوم یا نصاب.

---

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک [alisaba04@yahoo.com](mailto:alisaba04@yahoo.com)

#### مقدمه:

در نگاهی کلی چنین بنظر میرسد که سه عامل، جریان فرهنگ نویسی را سرعت بخشیده است: عامل نخست: فاصله مکانی؛ در جهان قدیم که از چاپ و نشر و گروه کتابخوان بصورت امروزی خبری نبوده است و صورت شنیداری بر صورت نوشتاری غلبه داشته، گسترش حوزه جغرافیایی گویندگان یک زبان و تغییر حوزه نفوذ و رواج زبان، فرهنگ‌نگاری را الزامی میکرده است که همین عامل خود یکی از دلایل تغییر سبک در آثار زبان فارسی است. [۱] عامل دوم: فاصله زمانی؛ علاوه بر پیدایی حوزه‌های جدید نفوذ زبان، حتی گویندگان همیشگی یک زبان هم بمرور زمان در اثر ساده شدن ساختار زبان، تغییر سبک و گسترش حوزه معنایی لغتها، منسوخ شدن لغات کهن و پیدایش کلمه‌های نو در نتیجه نیازهای جدید و ... در فهم زبان پیشینیان خویش دچار اشکال میشوند و فرهنگ نویسی در صدد جبران این خلأ بر می‌آید. (حمیدیان، ۱۳۶۲: ۱۵) عامل سوم: نفوذ قدرتهای خارجی و پیامد آن پیوندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... زمینه ساز ورود لغات و ترکیبات نو و بیسابقه در زبان میشود و فرهنگ نویسی در صدد توضیح و تبیین عناصر جدید برمی‌آید. (انوشه، ۱۳۷۶: ج ۲: ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵)

در زمینه فرهنگ نویسی دو و سه زبانه فارسی - عربی - ترکی تأثیر هر سه عامل را بروشنی میتوان نمایاند. از یک سو فتح ایران بدست اعراب و رواج زبان عربی بعنوان زبان دین و زبان قوم غالب، هجوم ترکان مسلمان به ایران و حاکمیت طولانی مدّت آنان و رواج زبان ترکی بعنوان زبان حاکمان و از سوی دیگر بیرون آمدن زبان فارسی دری از خاستگاه اصلی خود و گسترش آن در سراسر ایران آن روزگار بعنوان زبان رسمی جامعه و در نهایت گسترش حوزه نفوذ و کاربرد زبان فارسی در خارج از قلمرو ایران مانند: ترکیه، هند، چین و .... زمینه فرهنگ نویسی فارسی، ترکی و عربی را فراهم ساخت.

درباره فرهنگ نویسی عربی و فارسی گفتنیها را گفته‌اند و آوردن سخنی نو در این زمینه بسی دشوار و تکرار بی‌ثمرگفتار پیشینیان است. [۲] از این رو در این جستار بخش فرهنگ نویسی زبان ترکی که پژوهشگران کمتر در آن قلم زده‌اند، بررسی میشود.

شایان ذکر است که تنوع و تعداد فرهنگهای ترکی بسی بیشتر از شمار فرهنگهای معرفی شده در این گفتار است و ما به سبب عدم دسترسی به تمامی این آثار که بیشتر آنها خطی

و شمار اندکی نیز چاپ خارج از ایرانست بر آن شدیم که تنها به معرفی و بررسی فرهنگهای شناخته شده‌ای که آگاهی بیشتری درباره آنها بدست آورده‌ایم، پرداخته از یادکرد بیش از سی نسخه که در فهرستها و منابع مختلف با عنوان کلی فرهنگ ترکی - فارسی از آنها نام برده شده، صرف نظر کنیم. [۳] یادآوری این نکته ضروری است که در این گفتار تکیه بر فرهنگهایی است که دو زبان ترکی و فارسی در آن بعنوان زبان مبدأ و مقصد کاربرد داشته است و از یادکرد فرهنگهای دیگر مگر در موارد ضروری صرف نظر شده است.

### فرهنگ نویسی ترکی

زبان ترکی از گروه زبانهای آلتایی و زبانی پیوندی است (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۴) که پس از اسلام و از زمان روی کار آمدن قراخانیان و غزنویان، در اثر برخورد فرهنگ و تمدنهای ایران، اعراب و ترکان، در ایران پا گرفت و با گذشت زمان و تداوم حکومت سلسله‌های ترک‌نژاد و ترک زبان روندی رو به رشد پیمود و در دوره زمامداری صفویان رونقی تمام و کمال یافت. میتوان گفت که در ایران، زبان دین عربی، زبان شعر و ادب فارسی و زبان دربار و سلسله‌های حاکم ترکی بوده است.

در دوره اسلامی بنای آثار فرهنگی و ادبی زبان ترکی در سرزمینهای شرق ایران - بلاساغون و کاشغر - با نگارش آثاری مانند: قوتادقو بیلگ (= دانش خوشبختی) و دیوان لغات التّرك (نخستین فرهنگ ترکی به عربی) در نیمه دوم سده پنجم هجری بنیان نهاده شد (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۸۶) و سرانجام از سده نهم به بعد در ممالک غرب ایران بویژه ترکیه رونق و اوج گرفت. زبان فارسی در مسیر این گذر از شرق به غرب زبان و ادب ترکی، به چالش کشیده شد، بویژه در حوزه فرهنگ نویسی به تنوع و تکثر گرایید؛ فرهنگ نویسی دو زبانه فارسی - ترکی یا سه زبانه فارسی - عربی - ترکی رهاورد این تعامل است.

### فرهنگهای ترکی از نظر ساختار

فرهنگهای ترکی را در یک نگاه کلی میتوان به دو گروه فرهنگهای منثور و لغتنامه‌های منظوم یا نصابها تقسیم کرد و سپس هر یک از این انواع منظوم و منثور را بر اساس تنوع

زبان مبدأ و مقصد، مقدمه، فصل بندی و شیوه تدوین و تنظیم واژه‌ها و موضوع بگونه‌های فرعی تقسیم کرد. ما ابتدا فرهنگهای منشور را که از نظر تاریخی بر نصابها مقدمند و نیز از لحاظ کمی و کیفی بر نصابها برتری دارند از چشم اندازه‌های مختلف طرح و بررسی کرده در ادامه به نصابها میپردازیم.

### ۱ - فرهنگهای منشور

بیشتر فرهنگهای دو و سه‌زبانۀ فارسی - عربی - ترکی به نثر نوشته شده‌اند. فرهنگهای منشور را که از نظر حجم لغات مفصلتر از نصابها هستند، بر اساس این که کدام یک از دو یا سه زبان فارسی، ترکی و عربی مبدأ و کدام مقصد قلمداد شوند میتوان به چند گروه تقسیم کرد.

#### ۱-۱- فرهنگهای منشور ترکی از نظر تنوع زبانی

از نظر تنوع زبانی فرهنگهای ترکی را به سه گروه کلی یک‌زبانۀ، دو‌زبانۀ و سه‌زبانۀ میتوان تقسیم کرد و بخشهای فرعی درون گروهی را هم در آن تقسیم بندی لحاظ کرد.

##### ۱-۱-۱- فرهنگهای دو‌زبانۀ

۱-۱-۱-۱- فرهنگهای ترکی بفارسی مانند: بهره دوم شرفنامه منیری (تألیف ۸۷۸ ق.) اثر ابراهیم قوام فاروقی؛ بدایع اللغه (سده نهم) از ایمانی متخلص به طالع هروی؛ فرهنگ ترکی به فارسی اثر عبدالجمیل بن محمد رضا نصیری طوسی منشی الملک (تاریخ مقدمه ۱۰۷۹ ق.)؛ سنگلاخ (تألیف ۳ - ۱۱۷۲ ق.) اثر میرزا محمد مهدی خان استرآبادی؛ مقالید ترکیه (تألیف ۱۲۱۰ ق.) از فتحعلی قزوینی سپانلو زاده؛ بخش سوم مفتاح اللسان اثر نصیر الدین محمد سامی (تاریخ کتابت ۱۲۳۵ ق.)؛ خلاصه سنگلاخ با عنوان خلاصه عباسی (تلخیص ۱۲۴۰ ق.) از محمد بن عبدالصبور خویی.

۱-۱-۲- فرهنگهای فارسی به ترکی مانند: صحاح العجم یا صحاح العجم باللسان الفارسی یا تحفه العشاق (نوشته ۷۲۴ ق.) منسوب به هندوشاه نخجوانی (درگذشته ۷۳۰ ق.)؛ [۴] اُنوم عجم یا اُنوم اللغه از مؤلفی ناشناس؛ مفتاح اللغه (تألیف ۸۹۶ ق.) اثر محمود بن ادهم آماسیوی؛ تاج الروس و غره النفوس یا تاج العروس و عز النفوس (تألیف پیش از

۸۹۸ ق.) نوشته احمد بن اسحاق بقال قیصری؛ دقایق الحقایق اثر کمال پاشازاده (۸۷۳ - ۹۴۰ ق.)؛ فرهنگ فارسی به ترکی خطیب رستم مولوی (درگذشته پس از ۹۰۳ ق.)؛ شامل اللغه (تألیف ۹۴۷ ق.) اثر حسن بن حسین بن عماد قره حصارى؛ لغت نعمه الله یا نعمه الله فی لغه الفرس (تألیف ۹۴۷ ق.) نوشته نعمت الله بن احمد بن قاضی مبارک رومی حنفی (درگذشته ۹۶۹ ق.)؛ التحفه السنیه إلى حضره الحسینیّه یا لغت دشیشه نوشته محمد بن مصطفی بن لطف الله دشیشی (درگذشته ۹۸۸ ق.)؛ جامع الفرس نوشته مصطفی بن محمد بن یوسف اینه گول لو (سده دهم هجری)؛ لغت مثلث (تألیف ۹۹۱ ق.) اثر محیی الدین محمد مشهور به منشی (۱۰۰۰ - ۱۰۰۱ ق.)؛ لغت شاهنامه (تألیف ۱۰۶۷ ق.) اثر عبدالقادر بن عمر بغدادی (۱۰۳۰ - ۱۰۹۳ ق.)؛ لسان العجم یا فرهنگ شعوری یا نوال الفضلا (تألیف ۱۰۷۵ ق.) نوشته حسن حلبی مشهور به شعوری (درگذشته ۱۱۰۵ ق.)؛ مَجْمَعُ الأمثال یا دستور عجم (تألیف ۱۱۴۳ ق.) نگاشته ابراهیم خالص پوزرفچوی رومی (درگذشته ۱۱۶۰ ق.).

۱- ۱- ۳- فرهنگهای ترکی به عربی مانند: دیوان لغات التُّرک (تألیف ۶۶۴ - ۶۶۶ ق.) اثر محمود بن حسین کاشغری (۳۸۰ - ۴۷۷ ق.).  
۱- ۱- ۴- فرهنگهای عربی به ترکی مانند: حلیه الإنسان و حلیه اللسان اثر جمال الدین ابن مهنا (سده هفتم هجری) و لغت کبیر اختری (تألیف ۹۵۲ ق.) اثر مصلح الدین مصطفی بن شمس الدین قره حصارى مشهور به اختری.

#### ۱- ۲- فرهنگهای سه زبانه

۱- ۱- ۲- ۱- فرهنگهای عربی به فارسی و ترکی مانند: ترجمه مرقاة الکلام العرب و العجم (ترجمه ۸۳۵ ق.) به قلم ابراهیم مسکین؛ ألسنه ثلاثه یا ترجمه قانون ادب (ترجمه ۱۱۸۳ - ۱۱۹۰ ق.) از ابوالمواهب سعد الدین سلیمان فرزند امن الله عبدالرحیم فرزند محمد حنفی صوفی معروف به مستقیم زاده (۱۱۳۱ - ۱۲۰۲ ق.)، تحفه الاخوان یا لغات فرشته اوغلو نوشته مصطفی علمی فرزند ابراهیم افندی (درگذشته ۱۲۰۷ ق.).

۱- ۱- ۲- ۲- فرهنگهای ترکی به عربی و فارسی مانند: ترجمان المعارف یا لغات ثلاثه (۱۰۸۵ ق.) از مؤلفی به نام حاج حسن در سه جلد که دو جلد ترکی به عربی و فارسی و عربی به ترکی و فارسی آن در دست است؛ بهجه اللغات یا بهجه اللغات فی تلخیص لهجه

اللغات نوشته محمد اسعد افندی معروف به ابو اسحاق زاده (درگذشته ۱۱۶۶ ق.)؛ و جواهر الالسنه (تألیف ۱۱۸۲ ق.) نوشته ابراهیم ودید ترک.

## ۱-۲ - فرهنگهای متثور ترکی از نظر مقدمه.

بیشتر فرهنگ نویسان در مقدمه و گاه در موخره فرهنگ، [۵] فصلهایی را به بیان قواعد دستوری و املائی زبان فارسی یا ترکی اختصاص میدهند و گاه در طی مقدمه کوتاه پس از تحمیدیه، به نام و نشان فرهنگ و نگارنده آن اکتفا کرده، به گزارش واژه‌ها میپردازند. فرهنگهای متثور ترکی از نظر داشتن مقدمه و حجم آن و مطالب مندرج در آن به دو گروه تقسیم میگردد:

۱-۲-۱- فرهنگهای متثور با مقدمه بلند. در این فرهنگها، نویسندگان پس از حمد و ثنای خداوند و نعت پیامبر اکرم (ص) از انگیزه تألیف، شیوه تدوین و تنظیم، نام و نشان فرهنگ و نگارنده آن، منابع مورد استفاده و گاه از تقدیم اثر به شخصی خاص سخن میگویند و در ادامه طی فصل یا فصلهایی به قواعد دستوری [۶] و گاه املائی لغات پرداخته پس از پایان مقدمه، به گزارش واژه‌ها میپردازند. داده‌های اطلاعاتی برای شناخت فرهنگ، نویسنده، روش کار و منابع و... برای نقد و بررسی محققان بسیار مغتنم است. مقدمه‌ها گاهی مفصلند و میتوان آنها را کتابی مستقل بشمار آورد مانند: «مبانی اللغه» در آغاز فرهنگ سنگلاخ و گاهی در حد یک رساله کوتاه هستند مانند: «مقدمه دیوان لغات التُّرک کاشغری». بعنوان نمونه در مقدمه دیوان لغات التُّرک این مباحث مطرح شده است:

حمد خدای تعالی، نعت پیامبر، لزوم فراگیری زبان ترکی، پژوهش مؤلف درباره ترکان و گویشهای ایشان، تقدیم اثر به خلیفه عباسی؛ شیوه کار: تقسیم فرهنگ به هشت کتاب و هر کتاب به دو بخش اسماء و افعال و آوردن بخش اسم پیش از فعل، پیروی از ساختار زبان عربی در گزینش مدخلها، آوردن شاهد مثال از اشعار و ضرب المثلهای ترکی، گفتارهایی درباره حروف زبان ترکی، قواعد اشتقاق اسم از فعل، ساختار فعل، صفت، مصدر،

تیره‌های ترکان، زبانهای ترکی و دگرگونی گویشهای آنان. (کاشغری، ۱۳۸۴: ۷۴ - ۹۵)

برخی از فرهنگهای مقدمه دار عبارتند از: نثار الملک حلیمی، مفتاح اللغه آماسیوی، لغت نعمت الله از نعمت الله رومی حنفی، مجمع الامثال یا دستور عجم اثر ابراهیم خالص رومی،

لسان العجم یا فرهنگ شعوری یا نوال الفضلا اثر حسن حلبی مشهور به شعوری، شامل اللغة اثر حسن قره حصاری رومی، صحاح العجم یا صحاح العجم باللسان الفارسی یا تحفه العشاق منسوب به هندوشاه نخجوانی، سنگلاخ میرزا محمد مهدی خان منشی استرآبادی، شرفنامه منیری اثر ابراهیم قوام فاروقی و فرهنگ ترکی به فارسی از عبدالجمیل بن محمدرضا نصیری طوسی منشی الملک.

۱-۲-۲- فرهنگهای مثنوی با مقدمه کوتاه. در مقدمه بسیار کوتاه این فرهنگها، نویسندگان در یک یا دو صفحه، پس از حمد خدا و نعت نبی اکرم (ص) به نام و نشان اثر و نویسندۀ آن پرداخته، بشرح و ترجمه لغات فرهنگ میپردازند. هر چه مقدمه ها کوتاهتر باشند فضای پژوهش و نقد و تحلیل تنگتر میشود. بعنوان نمونه محتوای مقدمه چهارده سطر فرهنگ فارسی به ترکی خطیب رستم مولوی در برگ نخست نسخه خطی چنین است: بخش تحمیدیه شامل حمد خداوند (۴ سطر)، نعت پیامبر اکرم (ص) (۲ سطر)، نام مؤلف (۱ سطر) و علت نگارش (۷ سطر).

برخی از فرهنگهای مثنوی با مقدمه کوتاه عبارتند از:

لغت شاهنامه از عبدالقادر بغدادی، أقنوم عجم یا أقنوم اللغه از مؤلفی ناشناس، بهجه اللغات از محمد اسعد افندی معروف به ابواسحاق زاده، ترجمه مرقاه الکلام العرب و العجم از ابراهیم مسکین، جواهر الالسنه از ابراهیم ودید ترک، لغت مثلث از بدر الدین محمد منشی، مفتاح اللسان از نصیر الدین محمد سامی و فرهنگ ترکی به ترکی از مؤلفی ناشناس.

### ۱-۳- فرهنگهای مثنوی ترکی از نظر شیوه تنظیم لغات.

شناخت شیوه تنظیم لغات مدخل در فرهنگها، دستیابی به کلمه ها و در نتیجه استفاده از فرهنگ را آسان و سریع میسازد. در فرهنگهای ترکی، روش تنظیم لغتهای مدخل به یکی از شش روش زیر است:

#### ۱-۳-۱- سبک صرفی زبان عربی

همزمان با تألیف لغت فرس اسدی طوسی، محمود کاشغری (۴۷۷-۳۸۰ ق.) این شیوه ابتکاری و نامتعارف را در نوشتن نخستین و مهمترین فرهنگ ترکی به عربی «دیوان لغات التّرك» (تألیف ۶-۶۶ ق.) بکار برده است. (کاشغری، ۱۳۸۴: ۲۶) کاشغری بر این باور است

که زبان عربی و ترکی همانند دو اسب شرط بندی همدوش و برابرند و زبان ترکی پس از عربی مهمترین زبان است؛ [۷] او بر پایه این باور فرهنگ خود را بر اساس قواعد صرف زبان عربی مدون ساخته، سپس به ترجمه لغات ترکی بزبان عربی پرداخته است. با توجه به تفاوت دو زبان عربی و ترکی از نظر ساختار آوایی و صرفی، کوشش کاشغری در تطبیق قواعد صرفی عربی با لغات ترکی، با وجود دقت علمی و ابتکاری بودن، استفاده از فرهنگ وی را بسیار دشوار ساخته است به گونه ای که کاربران این واژه نامه بایستی قواعد صرف زبان عربی را به خوبی بدانند و با آواشناسی زبان ترکی نیز آشنا باشند. به عنوان مثال لغت «قشلاغ» در بخش اسم - کتاب سالم - باب فَعْلَلٍ، فَعْلَلٍ و فُعْلَلٍ - با هر گونه حرکت آمده است. (همان، ۱۳۸۴: ۲۷۱) همین دشواری استفاده، سبب شده است که واژه های دیوان لغات التُّرک به تنظیم الفبایی در آید. نخستین بار کارل بروکلمان (۱۸۶۸-۱۹۵۶م.) و سپس محمد دبیر سیاقی به استخراج و تنظیم الفبایی کلمات این فرهنگ پرداخته‌اند.

#### ۱-۳-۲ سبک باب و فصل

این شیوه تنظیم لغات، بر اساس این که مؤلف کدام حرف مدخل را «باب» و کدام حرف آن را «فصل» دانسته است خود به سه روش فرعی تقسیم شده که در ادامه معرفی میکنیم. سبک باب و فصل، نسبت به روش ابتکاری کاشغری کارآمدتر است بویژه روش سوم این شیوه که حرف نخست را - باب - و حرف دوم را - فصل - قرار داده اند بشیوه الفبایی امروزی نزدیکتر است.

#### ۱-۳-۱ حرف نخستین واژه «فصل»، حرف آخر واژه «باب»

در این شیوه فرهنگ نویسان، ابتدا بیست و هشت باب بر اساس الفبای زبان عربی در نظر میگیرند و بعد هر باب را با توجه به حرف آغازین لغات به چند فصل تقسیم میکنند و حروف خاص فارسی (پ، چ، ژ، گ) را در بخشهای (ب، ج، ز، ک) می آورند و گاهی حرکت فصل - حرف نخست - را نیز در نظر میگیرند. از جمله فرهنگهایی که به این شیوه تدوین شده‌اند: اُقنوم عجم یا اُقنوم اللُّغه (تالیف ۷۱۶ ق.) اثر مؤلفی ناشناس؛ شاملُ اللُّغه (تالیف ۹۴۷ ق.) اثر حسن بن حسین بن عماد قره حصار؛ صِحاحُ العَجَم یا صِحاحُ العجم باللسان الفارسی یا تحفه العشاق (نوشته ۷۲۴ ق.) منسوب به هندوشاه نخجوانی را میتوان نام برد.



#### ۱-۳-۲ حرف نخستین واژه «باب»، حرف آخر واژه «فصل»

این شیوه تنظیم، برعکس روش پیشین است. ابتدا فرهنگ به ابواب الفبایی تقسیم شده سپس بر مبنای لغات موجود در چندین فصل بر اساس حرف آخر تقسیم میگردد و در برخی فرهنگها حرکت باب - حرف اول - نیز لحاظ میشود. از جمله فرهنگهایی که به این روش تالیف شده اند: لسان العجم یا فرهنگ شعوری یا نوال الفُضلا نوشته حسن حلبی مشهور به شعوری؛ مفتاح اللسان تالیف نصیر الدین محمد سامی؛ لغت شاهنامه اثر عبدالقادر بن عمر بغدادی؛ شرفنامه منیری یا فرهنگ ابراهیمی یا فرهنگ فاروقی [۸] اثر ابراهیم قوام فاروقی را میتوان برشمرد.

#### ۱-۳-۳ حرف نخستین واژه «باب»، حرف دوم واژه «فصل»

در این روش فرهنگ نویس حرف نخست واژه را باب و حرف دوم آن را فصل قلمداد کرده، حرف یا حروف سوم به بعد را لحاظ نکرده است. از جمله فرهنگهایی که به این شیوه تالیف شده اند: فرهنگ ترکی به فارسی عبدالجمیل فرزند محمد رضا نصیری طوسی منشی الملک؛ لغت کبیر اختری (تالیف ۹۵۲ ق.). اثر مصلح الدین مصطفی بن شمس الدین قره حصار مشهور به اختری را میتوان نام برد.

#### ۱-۳-۳ سبک الفبایی پایانی

در این روش که بروش قافیه‌ای نیز مشهورست فرهنگ نویس حرف پایانی لغات را به ترتیب الفبایی ملاک تقسیم بندی خود قرار میدهد. از جمله فرهنگهایی که به این شیوه تدوین شده اند: الجامع الفارسی یا جامع الفرس از مؤلفی ناشناس (انوشه، ۶، ۱۳۸۳ / ۲۶۷)؛ ترجمه قانون ادب یا السنه ثلاثه (ترجمه ۱۱۸۳-۱۲۰۲ ق.). اثر ابوالموهّب سعد الدین سلیمان فرزند امن الله عبدالرحیم فرزند محمد حنفی صوفی معروف به مستقیم زاده (۱۱۳۱ - ۱۲۰۲ هـ. ق.). را میتوان برشمرد. (منزوی، ۳، ۱۳۵۰ / ۱۹۶۳)

#### ۱-۳-۴ سبک الفبایی آغازی

در این شیوه فرهنگ نویسان حرف نخست واژه را ملاک بخش بندی قرار میدهند. مانند: نثار الملک (تالیف ۸۷۲ ق.) از قاضی لطف الله حلیمی (سده نهم و دهم هجری). از جمله فرهنگهایی که به این شیوه تدوین شده اند: صحاح العجم (نسخه غازان) از مؤلفی

ناشناخته؛ بدایع اللغه اثر ایمانی متخلص به طالع هروی (سده نهم یا دهم هجری)؛ ترجمان المعارف یا لغات ثلاثه (تالیف ۱۰۸۵ ق.) از مؤلفی به نام حاج حسن؛ جواهر الالسنه (نوشته ۱۱۸۲ ق.) نوشته ابراهیم ویدید ترک؛ فرهنگ ترکی جغتایی به فارسی از ندر علی را میتوان نام برد.

#### ۱-۳-۵ سبک موضوعی

در این شیوه فرهنگ نویس، دایره لغات مربوط به یک حوزه یا موضوع را گاه با نظمی خاص و گاه بدون نظم آورده، سپس به گزارش آنها بزبانی دیگر میپردازد. از جمله فرهنگهایی که با این روش تدوین یافته اند: حلیه الانسان و حلیه اللسان اثر جمال الدین ابن مهنا (سده هفتم هجری) که به نام لغت ابن مهنا نیز معروف است؛ و ترجمه مرقاه الکلام العرب و العجم به قلم ابراهیم مسکین (سده نهم).

#### ۱-۳-۶ سبک الفبایی کامل

در این روش واژه های مدخل به ترتیب الفبایی کامل که امروزه مرسوم است، تنظیم میشوند مانند: فرهنگ فارسی به ترکی خطیب رستم مولوی که علاوه بر تنظیم دقیق الفبایی، حرکت حرف نخست نیز مورد نظر نویسنده بوده است. از میان تمام شیوه های یاد شده این روش متأخر دقیقتر و برای کاربران آسانتر است.

#### ۲- فرهنگهای منظوم یا نصابها

نصاب یا واژه نامه منظوم، فرهنگی یک، دو یا چند زبانه است که بیشتر شامل لغتهای کاربردی و رایج و برای تسهیل در آموزش خردسالان در قالبهای شعری سروده شده است. میتوان نصابها را انواع ادبی تعلیمی صرف بحساب آورد به این معنی که هدف آن آموزش زبان در حوزه واژه ها و گاهی قواعد دستوری است، کارکرد زبان در نصابها جنبه فرا زبانی دارد و از نظر ادبی اعتبار چندانی ندارد، به همین دلیل است که برخی سرایندگان نصابها برای ایجاد تنوع و جلب نظر مخاطب قبل از ورود به بخش گزارش لغتها چند بیت شعر سروده و آن را تقطیع عروضی کرده گاه نام بحر و زحافات را نیز یاد کرده اند تا رنگی ادبی به نصاب داده باشند. نصابها در قیاس با فرهنگهای مثنوی از نظر گستره و شمار

واژه‌ها حجم اندکی دارند. نصابها را از نظر تنوع زبانی، داشتن مقدمه، قالب شعری، وزن عروضی و... به چند گونه میتوان تقسیم کرد.

## ۲-۱- نصابها از نظر تنوع زبانی.

### ۲-۱-۱ نصاب دو زبانه.

۲-۱-۱-۱ نصاب فارسی به ترکی. تحفه حسام یا لغت حسام، سروده حسام الدین حسن بن عبدالمؤمن خویی ملقب به مظفری و متخلص به حسام (سده هفتم هجری)، بحر الغرایب یا نصاب حلیمی (سروده ۸۵۵ تا ۸۷۲ ق.) اثر لطف الله ابن یوسف مشهور به حلیمی (سده نهم هجری)، شادیه (سروده ۸۸۹ ق.) از محمد فرزند یحیی قونوی، تحفه شاهی (سروده ۹۲۱ ق.) اثر ابراهیم دده شاهی (۸۷۵ - ۹۵۷ ق.)، فرهنگ فارسی به ترکی منظوم (سروده ۹۵۷ ق.) اثر حسام شاهی زاده، تحفه لامعی سروده محمود بن عثمان بورسوی متخلص به لامعی (درگذشته ۹۸۳ ق.)، فتح الفتاح (سروده ۱۰۰۸ ق.) از صنع الله افندی بدلی واعظ ملاطوی، تحفه کسکین (تالیف ۱۱۶۴ ق.) از سراینده‌ای با تخلص کسکین، نظم بدیع (سروده ۱۲۲۴ ق.) اثر علمی علی افندی چلبی زاده، تحفه الأسامی اثر علی اسامی ترک. ۲-۱-۱-۲ نصاب ترکی به فارسی. نصاب ترکی به فارسی (تالیف ۹۶۵ - ۹۷۰ ق.) از جانی بیک فرزند ملک شاه خراسانی معروف به تجرید و قلندری و مشهور به تقلید شاه بندری، نصاب ترکی به فارسی از میر عبدالله ترکستانی، نصاب ترکی به فارسی اثر میرزا محمد قلی فرزند میرزا محمد رضا قهفرخی اصفهانی متخلص به فقیر (سده ۱۳ هـ.)، تجرید اللغات یا کالنصاب (تالیف ۱۲۶۵ ق.) سروده آخوند علی بادکوبه‌ای، نصاب ترکی به فارسی (تالیف ۱۲۸۵ ق.) اثر عبدالغفار زنجانی.

۲-۱-۲ نصاب سه زبانه. نصاب مترادفهای فارسی، ترکی و عربی از سراینده‌ای ناشناس (۱۱۶۱ ق.)، نصاب فارسی، ترکی و عربی مثلث نامه (تالیف ۱۲۱۰ ق.) از عثمان معروف به شاکر فرزند مصطفی البوزاوقی، لغت جوهری. انجمن یا نصاب حسن (تالیف ۱۲۵۴ ق.) سروده علی متخلص به مزاحم.

۲-۱-۳ نصاب شش زبانه. نصاب شش زبانه ترکی، عربی، فارسی، افغانی، هندی و کشمیری سروده یوسفی.

۲ - ۲ - نصابها از نظر مقدمه.

برخی واژه‌نامه‌های منظوم در مقدمه، آگاهی‌هایی درباره‌ی سراینده، اثر، شیوه‌ی کار و انگیزه‌ی سرودن نصاب و ... بمخاطب می‌دهند و در گروهی دیگر از نصابها تنها گزارش واژه‌ها مد نظر بوده، در مواردی نام و نشان سراینده نیز معلوم نیست.

۲-۲-۱ نصاب مقدمه دار. در اینگونه از نصابها، سراینده پس از حمد باری تعالی و نعت پیامبر اکرم (ص) از نام و نشان اثر و شیوه‌ی کار و انگیزه‌ی سرودن و گاه از پیشکش اثر به شخص یا اشخاص خاصی سخن گفته است. مانند بحر الغرایب حلیمی؛ پژوهش و بررسی درباره‌ی این واژه‌نامه‌های منظوم راهگشاست چراکه متن اثر به تنهایی آگاهی‌های ارزشمندی بمخاطب می‌دهد. مانند بحر الغرایب اثر حلیمی که در مقدمه پس از حمد خدا و نعت پیامبر (ص) از ملاحح زبان فارسی و پیشکش اثر به بایزید بن محمد و وجه تسمیه‌ی کتاب و روش کار خود سخن گفته است.

بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ فَتَّاحُ الْقُلُوبِ	كَاشِفُ الْأَسْرَارِ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (بیت ۱)
وَالسَّلَامُ الْمُسْتَمِرُّ الْإِرْتِسَامِ	مِنْكَ يَا أَعْلَىٰ عَلَىٰ خَيْرِ الْأَنْامِ (بیت ۵)
گوش جان بگشا و با جان گوش دار	از حلیمی نیز بشنو یادگار (بیت ۱۵)
بایزید بن محمد خان که هست	نزد قدر رفعتش افلاک پست (بیت ۲۷)
این که آمد پر غرایب بر نظام	بهر او بحر الغرایب گفته نام (بیت ۴۵)

۲-۲-۲ نصاب بی مقدمه. در نصابهای بدون مقدمه بویژه اگر نام و نشان سراینده هم روشن نباشد کار نقد و پژوهش بسیار دشوار میشود چراکه سراینده از بیت نخستین به گزارش واژه‌ها پرداخته و گاهی تنها در پایان اثر نامی از خود و اثرش بمیان می‌آورد. مانند: تحفه‌ی حسام که با نخستین بیت در گزارش لغت شروع شده و تنها در پایان خود را از حسام ثابت برتر شمرده و به ذکر نامی از خود بسنده کرده است.

خدا «تگری» توانگر معنیسی «بای»	«ایشه بویروق ایدیجی» کارفرمای (بیت ۱)
اگر اول حسام شاعر بو حسامی بر گوریدی	دیریدی زهی دیریدی سوری دفتری دوریدی

(بیت ۳۳۲)

## ۲ - ۳ نصابها از نظر شیوه تدوین و تنظیم واژه‌ها

یکی از دلایل مراجعه به فرهنگ، یافتن معادل یا مترادف یا معنی واژه است که در واژه نامه‌های منظوم رسیدن به این هدف آسان نیست. یافتن یک مدخل و معنی و معادل آن در نصابها به چند دلیل کاری دشوار و طاقت فرسا است و این در حالیست که مراجعه به فرهنگ برای سرعت دسترسی و سهولت درک مطلب است. از جمله دلایلی که استفاده از نصابها را دشوار میسازد به این موارد میتوان اشاره کرد:

الف. نبود نظم خاص مثلاً الفبایی یا موضوعی یا ... در بیشتر نصابها؛ کاربران ناگزیرند تمامی ابیات نصاب را در جستجوی یک واژه - که شاید سراینده آن را نیاورده باشد - مرور کنند.

ب. پراکندگی حوزه لغتها در نصابها بگونه‌ای است که در یک بیت یا در یک قطعه، لغتهایی معنی شده که هیچ سنخیتی از نظر الفبایی یا موضوعی با هم ندارند. مانند:

تن لاغر «آرق» «ایرانسه» دی دوغ «قورق» غوره ولسی «بوئندُرُق» یوغ  
(تحفه حسام بیت ۱۵)

ج. ضرورت رعایت وزن عروضی در نصابها و لزوم پُر کردن حفره‌های خالی عروضی با کلمه یا عبارتهای بی ارتباط با لغت و معنی مورد نظر سراینده، که تمیز مدخل و معنی و بخش پیوند دهنده و مکمل وزن شعری - حشو- برای غیر اهل زبان براحتی ممکن نیست. مثال:

به بالارو «یوقاری وار» دیمکدر «اشغه این» دیمک یعنی فرو آی  
(تحفه حسام بیت ۸)

د. در مواردی که مدخل بیش از یک معنی دارد غالباً نصابها به یک معنی بسنده کرده اند. و نصابها بدون شاهد مثال هستند و سراینندگان تنها به ذکر لغت و معادل آن در زبان دیگر اکتفا کرده‌اند.

ی. گزینش قالبهای شعری و رعایت نظام قافیه ای آنها در گزارش واژه ها تأثیر نهاده است، مثلاً در قالب مثنوی که آزادی بیشتری در نظام قافیه ای دارد کار سراینده آسانتر است تا قصیده و قطعه و ... .

## فرهنگ‌های ترکی از نظر موضوع

### ۱- فرهنگ عمومی

بیشتر فرهنگ‌های ترکی معرفی شده در این مقاله، فرهنگ‌های عمومی هستند که به گزارش لغت‌های ترکی به فارسی یا برعکس پرداخته‌اند، دایره و حوزه لغاتشان کلمه‌ها و تعبیرهای رایج زبان مبدا است و بر اساس یکی از شش شیوه تنظیم کلمات یاد شده، تدوین شده‌اند، برخی از این فرهنگ‌ها در تایید معنی، شاهد و مثال و سند ارائه داده‌اند مانند: فرهنگ میرزا عبدالجمیل و برخی تنها بذکر معنی بسنده کرده‌اند مانند: فرهنگ خطیب رستم مولوی.

### ۲- فرهنگ تخصصی

فرهنگ‌های تخصصی را از نظر اینکه واژه‌نامه یک اثر خاص باشند یا موضوع ویژه یا یک گویش و ... میتوان به اقسام فرعی تقسیم کرد. در میان فرهنگ‌های ترکی، سه گونه فرهنگ تخصصی را میتوان شناساند.

۲ - ۱ واژه‌نامه تخصصی یک اثر. لغت شاهنامه اثر عبدالقادر بغدادی (درگذشته ۱۰۹۳ ق.) گزارش لغت‌های شاهنامه فردوسی است.

۲- ۲ واژه‌نامه تخصصی موضوعی. فرهنگ سنگلاخ (تألیف ۳-۱۱۷۲ ق.) اثر میرزا محمد مهدی خان استرآبادی و خلاصه آن با نام خلاصه عباسی (تلخیص ۱۲۴۰ ق.) اثر محمد بن عبدالصبور خوبی و نیز بدایع اللغه اثر ایمانی متخلص به طالع هروری از شمار فرهنگ‌های تخصصی موضوعی هستند و محتوای آنها شرح و گزارش لغات آثار امیرعلیشیر نوایی است.

۲- ۳ واژه‌نامه تخصصی گویشها. فرهنگ ترکی به فارسی از عبدالجمیل بن محمد رضا نصیری طوسی منشی الملک در چهار بخش ترکی جغتایی و ترکی رومی و ترکی قزلباشی و ترکی قلماقی گزارش لغات چهار گونه زبان ترکی است.

### ۳- فرهنگ دایره المعارف گونه

در اینگونه از فرهنگ‌ها علاوه بر گزارش واژه‌ها به معرفی اعلام تاریخی و جغرافیایی و تبیین اصطلاحات و ... نیز پرداخته میشود. در میان فرهنگ‌های زبان ترکی دیوان لغات الترتک کاشغری را میتوان فرهنگی دایره المعارف گونه بحساب آورد که در کنار گزارش لغات ترکی به عربی، از گویشها و مثلها و افسانه‌ها و اعلام ترکی هم سخن رانده است.

### نتیجه و پیشنهاد:

جریان فرهنگ نویسی ترکی از نیمه دوم سده پنجم هجری با نگارش دیوان لغات الترك کاشغری آغاز شده است. فرهنگهای ترکی که شمار بسیار اندکی از آنها به چاپ رسیده است، از نظر ساختار به دو شاخه متثور و منظوم (نصاب)؛ و هر یک از شاخه ها از نظر تنوع زبانی، داشتن مقدمه و شیوه تنظیم واژه ها به زیر شاخه هایی تقسیم میشوند. گفتنی است که از نظر تنوع زبانی، تعداد فرهنگهای دو زبانه بیشتر بوده و شیوه تنظیم لغات روندی رو به سادگی - از شیوه صرفی زبان عربی تا شیوه الفبایی امروزی - داشته است. همچنین فرهنگهای ترکی را از نظر موضوع به سه گونه عمومی، تخصصی و دایره المعارف مانند میتوان تقسیم کرد.

درباره فرهنگ نویسی ترکی و فراز و فرود آن از سده پنجم هجری تا کنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و در فرهنگهای فارسی، اشاره به ترکی بودن ریشه لغت را بسنده دانسته اند. تحقیق درباره فرهنگهای ترکی و نقد و بررسی و انتشار آنها از جمله زمینه های تحقیقی است که مغفول مانده و بررسیهای مقطعی و اندکی در این زمینه مانند تحقیق درباره صحاح العجم منسوب به هندوشاه صورت گرفته است؛ این در حالی است که بسیاری از فرهنگهای ترکی موجود در کتابخانه های ایران بصورت نسخه خطی دور از دسترس پژوهشگران قرار دارد. به نظر نگارنده از آنجا که بررسی علمی و انتشار این آثار، گوشه ای از زوایای تاریک زبان و فرهنگ ایران را روشن خواهد ساخت لازم است با دیدی علمی و به دور از هیاهوی نام و نان به این مهم پرداخته شود.

### پی نوشتها

- ۱- روایت مشهور دیدار ناصر خسرو با قطران تبریزی در سفرنامه ناصر خسرو مؤید این مطلب است.
- ۲- برای آگاهی بیشتر در این باره ر.ک: مقالات مندرج در مقدمه لغتنامه دهخدا؛ و فرهنگهای فارسی و فرهنگ گونه ها؛ فرهنگنامه های عربی به فارسی؛ و جلد دوم دانشنامه ادب فارسی ذیل مدخل «واژه نامه».

۳- برای نمونه ر. ک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه، صفحه ۱۲ و ۱۳ و ۱۵۰ و ۱۸۶ و ۲۷۸؛ و جلد سوم فهرست نسخه‌های خطی فارسی، صفحه ۲۰۳۸ و ۲۰۳۹.

۴- درباره‌ی درستی یا نادرستی انتساب این فرهنگ به هندوشاه، آرای پژوهشگران تناقض آشکاری دارد. برای آگاهی بیشتر ر. ک: پارسی پژوهان آذربایجان، صفحه ۷۵ تا ۷۸.

۵- بعنوان نمونه صفحه‌های پایانی صحاح العجم منسوب به هندوشاه مباحثی درباره‌ی دستور زبان دربر دارد.

۶- در زبان فارسی نیز پیش از مستقل شدن دستور زبان بصورت علمی امروزی، قواعد دستوری بصورت پراکنده در مقلّمه فرهنگها و کتابهای نقد شعر و منطق آورده شده است. ر. ک: «دستور زبان فارسی و تاریخچه آن» در دستورمفصل امروز، از دکتر خسرو فرشیدورد، صفحه ۳۴ تا ۳۸.

۷- چنین نظری را چهار سده بعد از کاشغری، امیر علیشیر نوایی در کتاب محاکمه اللغتين بگونه‌ای دیگر بیان کرده است: «... زبان عربی برای بیان مقال و کلام متعال و هندی برای ادای اباطیل و یاوه و سرسام است... در وضع الفاظ و عبارات تورک بر عجم فائق است». ر. ک: محاکمه اللغتين، صفحات ۵۵ تا ۵۷.

۸- این فرهنگ در شمار فرهنگهای فارسی است اما از آنجا که بقواعد زبان ترکی و گزارش لغات ترکی به زبان فارسی پرداخته، معرفی شده است.



## فهرست منابع

- ۱- انوشه، حسن (۱۳۷۶)، دانشنامه ادب فارسی، جلد دوم «فرهنگنامه ادبی فارسی»، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، دانشنامه ادب فارسی، جلد چهارم «ادب فارسی در شبه قاره»، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، دانشنامه ادب فارسی، جلد پنجم «ادب فارسی در قفقاز»، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، دانشنامه ادب فارسی، جلد ششم «ادب فارسی در آناتولی و بالکان»، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۵- دبیر سیاقی، سید محمد (۱۳۶۸)، فرهنگهای فارسی و فرهنگ گونه‌ها، تهران: اسپرک.
- ۶- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا «مقدمه»، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- ذاکر الحسینی، محسن (۱۳۸۳)، حلیمی و فرهنگهایش، ضمیمه شماره ۱۸ «نامه فرهنگستان».
- ۸- رحمت اللهی، مصطفی (۱۳۶۶)، کتابشناسی فرهنگهای دو زبانه و چند زبانه فارسی، تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران.
- ۹- روای، صلاح (۱۳۸۰)، لغتنامه نویسی در زبان عربی، ترجمه و تلخیص حسن دادخواه تهرانی، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- ۱۰- ریاحی، محمد امین (۱۳۶۹)، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران: پاژنگ.
- ۱۱- سبحانی، توفیق هـ (۱۳۷۳)، فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه های ترکیه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۲- صادقووا، جمیله و علی اصغرووا، طیبه (۱۳۸۷)، پارسی پژوهان آذربایجان، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، تهران: امیر کبیر.
- ۱۳- صفوی، کوروش (۱۳۸۴)، زبانهای دنیا: چهار مقاله در زبانشناسی، برنارد کامرین و ...، تهران: سعاد.
- ۱۴- فاروقی، ابراهیم قوام (۶ - ۱۳۸۵)، شرفنامه منیری یا فرهنگ ابراهیمی، دو جلد، تصحیح حکیمه دبیران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- ۱۵- کاشغری، محمود بن حسین (۱۳۸۴)، دیوان لغات الترک، برگردان فارسی از حسین محمدزاده صدیق، تبریز: اختر.
- ۱۶- مقیم تویسرکانی، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ جعفری، تصحیح و تحشیة سعید حمیدیان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۷- ملکان، مجید (مرداد ۱۳۸۲)، فهرست مقاله های فارسی مربوط به فرهنگ نویسی، تهران: ضمیمه شماره ۱۴ «نامه فرهنگستان».
- ۱۸- منزوی، احمد (۱۳۵۰)، فهرست نسخه های خطی فارسی، جلد سوم، تهران (بی نا)
- ۱۹- منزوی، ع. (۱۳۳۷)، فرهنگنامه های عربی به فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۰- موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۸۷)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد پانزدهم، مقاله «ترکی، ادبیات» از مصطفی موسوی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۱- نخجوانی، هندوشاه بن سنجر (۱۳۶۱)، صحاح العجم، تصحیح غلامحسین بیگدلی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۲- نوایی، امیر علیشیر (۱۳۷۸)، محاکمه اللغتين، مقدمه و تصحیح حسین محمدزاده صدیق، تبریز: اختر.